

# الگوهای تربیتی در

## رضا رستمی زاده

سخنی به افترا نیست، بلکه کتاب‌های آسمانی مانند خود را تصدیق کرده، هر چیزی را مفصل بیان می‌کند و برای اهل ایمان هدایت و رحمت خواهد بود.»

انبان تاریخ، سرشار از وجود کسانی است که بار خطایی را به دوش گرفته و در مسیر ناصواب پیش رفته‌اند. تأمل در آثار به جای مانده از گذشتگان (بنا به توصیه قرآن) ما را متقاعد می‌کند که برای کناره گرفتن از هر خطایی لازم نیست حتماً خود به تجربه بنشینیم و کیفر ببینیم. «آیا مردم در روی زمین سیر و سفر نمی‌کنند تا عاقبت کار پیشینیان خود را ببینند؟ آنان که بسیار از اینان قوی‌تر و اثر وجودی‌شان بیش‌تر بود، سرانجام خدا به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در برابر قهر خدا حسامیت‌گری نداشتند.» پس داستان زندگی گذشتگان می‌تواند عبرت‌آموز باشد. در داستان‌های قرآنی هر چند عبرت‌گیرنده در صحنه‌های واقعی و آثار گذشتگان به عینه حضور نمی‌یابد، ولی با تأمل در واقعیت‌ها و فراز و نشیب‌های گذشتگان، از نظر عبرت‌آموزی بسیار نزدیک به آن‌هاست. حضرت علی - علیه السلام - در این باره می‌فرماید: «از حال فرزندان اسماعیل، فرزندان اسحاق و فرزندان یعقوب عبرت بگیرید، چقدر حالات ملت‌ها با هم مشابه و صفات و افعالشان شبیه یکدیگر است. در تشتت و تفرق آنان

## مقدمه

در این مقاله به فراخور وسعت و توان، به شیوه الگوسازی قرآن در قالب داستان سرایی اشاره شده و فهرست‌وار، الگوهای تربیتی مذکور در قرآن و اهداف کلی آن‌ها ذکر شده است. امید است این پژوهش مختصر بتواند بستری مناسب برای فعالیت مریبان دلسوز فراهم کند.

## الگوسازی در قرآن

قرآن کریم برای بهره‌برداری از شیوه الگوسازی بسیار غنی است. به ویژه آن که اغلب الگوهای قرآنی که در قالب داستان آمده‌اند، جوان و تأثیرگذارند. قرآن کریم از داستان در جهت تربیت اخلاقی انسان‌ها، در بیش از ۱۲۲ مورد استفاده کرده است.

داستان، در همه مراحل سنی مفید و مورد توجه است و محتوای داستان‌های قرآنی متناسب با سطح اطلاعات خوانندگان و شنوندگان می‌باشد. خداوند در مورد اهداف قصه‌گویی خود در قرآن می‌فرماید: «بی تردید در بیان داستان آنان عبرتی برای صاحبان خرد است و داستان‌های قرآنی

# قصص قرآن کریم

۱

فهم و درک شایسته و اهل تقوا شدن.<sup>۱</sup> در داستان‌های قرآنی، علاوه بر تحریک عواطف، پرورش تعقل و خردمندی نیز وجود دارد. قصص قرآن، روابط اخلاقی و تربیتی میان انسان‌ها را به وضوح ترسیم می‌کند و در نهایت این فضایل اخلاقی است که بر پستی‌ها و فرومایگی‌ها چیره می‌گردند.

داستان‌های هابیل و قابیل<sup>۲</sup>، موسی و فرعون<sup>۳</sup>، موسی و قارون<sup>۴</sup>، موسی و عبدصالح<sup>۵</sup>، آدم و حوا<sup>۶</sup>، گاو بنی اسرائیل<sup>۷</sup>، ابراهیم و اسماعیل<sup>۸</sup>، یوسف و برادران<sup>۹</sup>، لوط و قومش<sup>۱۰</sup>، و... دارای نکات تربیتی فراوانی است. نکته‌ای که در داستان‌های قرآنی جلب توجه می‌کند این است که به پرورش و اشباع تمایلات پست نمی‌پردازد و در داستان‌های مربوط به روابط زن و مرد، حریم حیا را نگه می‌دارد<sup>۱۱</sup> و با اجتناب از ذکر جزئیات، پرده‌داری نمی‌کند. استفاده متناسب و به موقع از داستان، به ویژه داستان‌های قرآنی (یا داستان‌های مربوط به ائمه طاهرین و بزرگان دین) به زبان ساده و امروزی، تأثیر حیرت‌انگیزی در مقبولیت سخنان بر جای می‌گذارد

## نمونه‌هایی از الگوهای تربیتی قرآن

به رغم وجود عوامل محدود کننده انسان مانند وراثت،

دقت کنید، زمانی که کسرها و قیصرها مالک آن‌ها بودند...<sup>۱۲</sup> و در جایی دیگر می‌فرماید: «فرزندم، درست است که من به اندازه همه کسانی که پیش از من زیسته‌اند، عمر نکرده‌ام، اما در کردار آن‌ها نظر افکنده‌ام و در افکار و اخبارشسان تفکر کرده‌ام و در آثار آن‌ها به سیر و سیاحت پرداخته‌ام، تا بدان جا که همانند یکی از آن‌ها شده‌ام، بلکه گویا در اثر آن چه از تاریخ آنان به من رسیده با همه آن‌ها از اول تا آخر بوده‌ام.»<sup>۱۳</sup>

## شیوه تربیتی قرآن برای ارائه الگوهای عبرت‌آموز

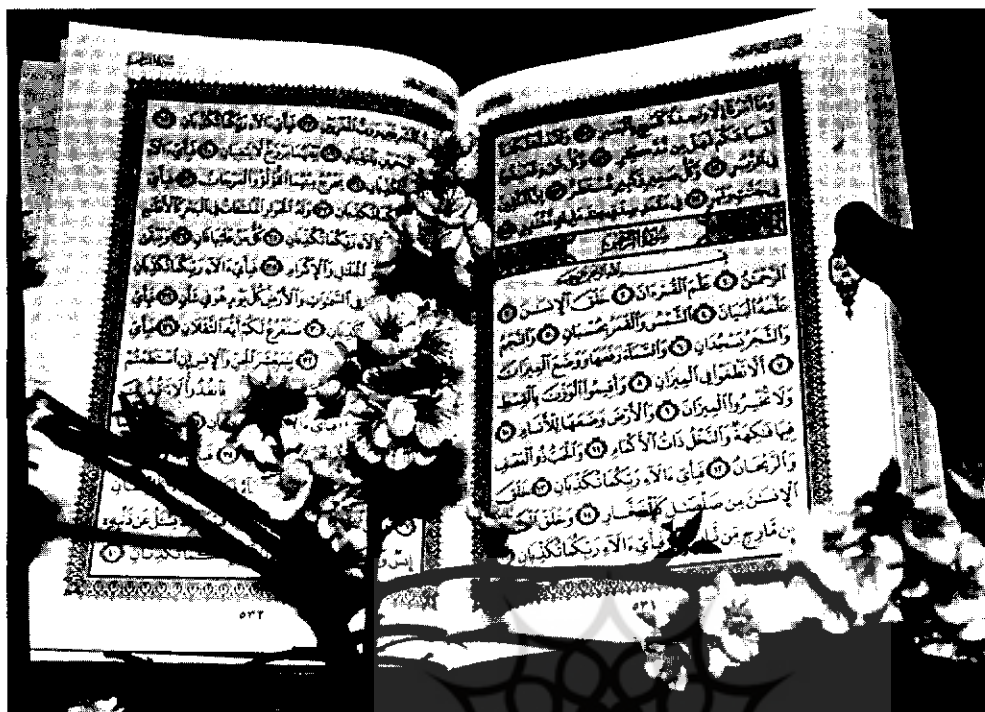
در شیوه تربیتی قرآن برای ارائه الگوهای عبرت‌آموز دو نکته قابل توجه است:

نخست آن که عبرت‌آموزی مستلزم داشتن چشمی بینا<sup>۱۴</sup> و عقلی شگرف و درون‌یاب<sup>۱۵</sup> و دلی بیدار<sup>۱۶</sup> است. به همین جهت بدون نظر عمیق عقلانی، عبرت‌آموزی ممکن نیست. از این رو امیرمؤمنان مکرر می‌فرمود: «چقدر عبرت‌ها فراوان و عبرت‌گیرنده اندک است.»<sup>۱۷</sup>

دیگر آن که جهت‌گیری عبرت‌آموزی در قالب داستان‌های قرآنی و آیات الهی حرکت در جهت دست‌یابی به این نتایج است: عصمت و پاکدامنی، بی‌رغبتی به دنیا، کاهش لغزش و خطا، شناخت خویشستن، کوتاه شدن طمع،



خداوند به ستایش از  
جوانان اصحاب کهف  
می پردازد که با هجرت  
از محیط فاسد خود  
را از عوامل محیطی  
ناسالم دور ساختند و  
ایمان خویش را حفظ  
کردند.



- می توان گفت اقدام شجاعانه سحره فرعون در زیر پا گذاشتن موقعیت اجتماعی خود و ایمان آوردن به موسی، الگوی توبه حقیقی برای دیگران می شود.<sup>۳۳</sup>

به طور اجمالی می توان گفت که الگوهای قرآنی می توانند در مواردی از قبیل نمونه های زیر باشند:

- یوسف، قهرمان مقاومت در مقابل شهوت.<sup>۳۴</sup>

- جوانان کهف، اسوه های مهاجرت در راه خدا برای رشد و هدایت.<sup>۳۵</sup>

- اسماعیل، نماد تسلیم در مقابل فرمان خدا.<sup>۳۶</sup>

- ابراهیم، فطرت جو، عادت شکن و بت شکن.<sup>۳۷</sup>

- نوح، الگوی پایداری و استقامت در تبلیغ دین.<sup>۳۸</sup>

- ایوب، قهرمان صبر و تحمل در شداید روزگار.<sup>۳۹</sup>

- داوود جوان، نمونه شهامت و شجاعت در مبارزه با

طاغوت.<sup>۴۰</sup> و...

قرآن در همه این موارد می فرماید: اینان کسانی اند که

خدا هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن....<sup>۴۱</sup>

طبیعت، جامعه و... انسان می تواند به اراده خود مسیر خویش را برگزیند و از حصار عوامل محدود کننده در اطراف خود بیرون آید. حتی این توانایی را پیدا می کند که سرنوشت جدیدی برای جامعه و تاریخ خود رقم بزند، به عنوان نمونه:

- قرآن، همسر فرعون و حضرت مریم را به عنوان الگوهای برای مؤمنان ذکر می کند. آنان با وجود محیط

ناسالم، طریق صلاح و رستگاری را برگزیدند.<sup>۴۲</sup>

- قرآن به تأثیر پذیری انسان از محیط و شرایط مختلف

اذعان دارد و او را نسبت به تأثیرات آن ها هشدار می دهد. در

مورد فرزند حضرت نوح - علیه السلام - خداوند صریحاً

می فرماید: او از اهل تو نیست، زیرا به دلیل متأثر شدن از

عوامل محیطی ناصالح از مسیر صلاح و درستی خارج شده

است.<sup>۴۳</sup>

- خداوند به ستایش از جوانان اصحاب کهف می پردازد

که با هجرت از محیط فاسد خود را از عوامل محیطی ناسالم

دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند.<sup>۴۴</sup>

## بهترین الگوی تربیتی قرآن

## سخن‌پایان نبی

قرآن کریم حضرت محمد - صلی الله

علیه وآله و سلم - را سرمشق و الگوی

مطلق در همه ابعاد زندگی برای

همه خداجویان و کسانی که

اعتقاد به رستاخیز دارند، معرفی

می‌کند: «بی تردید برای شما در

همه ابعاد (چه در صبر و مقاومت و چه در

دیگر اوصاف و افعال نیکو) اسوه و الگوی نمونه،

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - است، برای آن کس

که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار

کند.»<sup>۳۲</sup>

آری پیامبر گرامی اسلام به خاطر خلق عظیم<sup>۳۳</sup> و رَحْمَةً

لِلْعَالَمِينَ<sup>۳۴</sup> بودنشان، آینه مکارم اخلاقی برای همگان‌اند، تا

آن جا که بارها می‌فرمودند: منحصرأ بسرای تکمیل و تمام

کردن مکارم اخلاق مبعوث گشته‌ام،<sup>۳۵</sup> و در آیه زیر خداوند

در اوجی تماشایی، رسولش را به داشتن چشم محبت و

رحمت و لطف همراه با شکیبایی با مؤمنان می‌ستاید و به

حبیب مهربانش یعنی حضرت محمد (ص) مباحثات می‌کند:

«بی تردید پیامبری (حضرت محمد، صلی الله علیه و آله) از

میان خودتان (از بیکره خودتان) سوی شما آمده است که

رنج‌های شما بر او به غایت ناگوار است. او به هدایت شما

حریص و بر مؤمنان بسیار دلسوز و مهربان است.»<sup>۳۶</sup>

نگاه معنادار پیامبر (ص) که از سرعشق و علاقه به

انسان‌ها برمی‌خیزد کافی است انسانی را به حرکت درآورد و

در صف بلال و سلمان نشاند.

امیر مؤمنان علی - علیه السلام - فرموده است: «پیامبر

گرامی - صلی الله علیه و آله و سلم - هر روز یکی از مکارم

اخلاقی خود را برای من آشکار می‌ساخت و مرا به پیروی از

آن امر می‌کرد.»<sup>۳۷</sup>

اسلام در ترسیم برنامه روزانه یک  
مسلمان پیوسته از روش الگوگیری و  
الگوپذیری مدد می‌جوید و او را به  
حضور مستمر و به موقع در جایگاه

جایگاه الگوهای ناشایست بر حذر می‌دارد. این تغییر  
موقعیت، خود نوعی هجرت است که نشاط و طراوت  
اخلاقی و تربیتی به فرد می‌بخشد و او را از محیط یکنواخت  
و چه بسا نامساعد روزانه جدا می‌سازد. سیر و سیاحت در  
زمین و ترغیب قرآن به دقت کردن در آثار گذشتگان و  
زیارت اهل قبور و تأمل در حالات کسانی که روی زمین  
گردنکشی‌ها می‌کردند و اکنون بدون حرکت در خاک جای  
گرفته‌اند، انسان را آرام، بلکه رام می‌کند، تکبرها و نخوت‌ها  
را به فروتنی بدل می‌نماید و به آدمی این فرصت را می‌دهد  
که خود را دریابد و در عاقبت خود بیندیشد.

## پی‌نوشت‌ها:

۱- سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

۲- سوره مؤمن، آیه ۲۱.

۳- نهج البلاغه، خطبه قاصعه، ۱۹۲.

۴- نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱.

۵- سوره آل عمران، آیه ۱۳.

۶- سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

۷- سوره نازعات، آیه ۲۶.

۸- نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۲۹۷.

۹- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۸ و ۳۹.

۱۰- قرآن کریم، سوره مائده، آیات ۲۷ تا ۳۸.

۱۱- قرآن کریم، سوره قصص، آیات ۳ تا ۴، طه ۹ تا



- به بعد، طه، شعراء: ۳۸ تا ۴۶.
- ۲۴- قرآن کریم، سوره یوسف، آیات: ۲۱ تا ۵۶.
- ۲۵- قرآن کریم: سوره کهف، آیات ۹ تا ۲۶.
- ۲۶- قرآن کریم: آیات و سوره‌های مذکور در شماره ۱۷.
- ۲۷- قرآن کریم: آیات و سوره‌های مذکور در شماره ۱۷.
- ۲۸- قرآن کریم: سوره اعراف، آیات ۵۹ تا ۶۴، یونس: ۷۱ تا ۷۳، نوح: ۱ تا ۲۷، هود: ۲۵ تا ۴۹، صافات: ۷۵ تا ۸۲.
- ۲۹- قرآن کریم: سوره نساء، آیه ۱۶۳، انعام: ۸۴ انبیاء ۸۳ و ۸۴ ص: ۴۱ تا ۴۴.
- ۳۰- قرآن کریم: سوره سباء: ۴ تا ۱۳، ص ۱۷ تا ۲۶، انبیاء: ۷۸ تا ۸۰ بقره: ۲۵۱.
- ۳۱- سوره انعام، آیه ۹۰.
- ۳۲- سوره احزاب، آیه ۲۱.
- ۳۳- سوره قلم، آیه ۴.
- ۳۴- سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.
- ۳۵- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۰.
- ۳۶- سوره توبه، آیه ۱۲۸.
- ۳۷- نهج البلاغه، ۱۹۲.

## منابع:

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشاهی، شرکت تعاونی ناشران قم.
- نهج البلاغه، به تصحیح صبحی صالح، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه چاپ الهادی، پاییز ۷۹.
- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، انتشارات بیتا- بیجا، قم.
- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۶۲.
- موسوی گرمارودی، سید علی: داستان پیامبران، مؤسسه قدیانی، ۱۳۷۳.
- عبدالباقی: محمد فواد: المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، انتشارات اسماعیلیان، تهران ۱۳۶۴.
- دیلمی، احمد و آذربایجانی: اخلاق اسلامی، نشر معارف، قم ۱۳۸۰.

- ۱۲- قرآن کریم: سوره قصص، آیات ۷۶ تا ۷۹، عنکبوت: ۳۹، غافر: ۲۴.
- ۱۳- قرآن کریم: سوره کهف، آیات ۶۰ تا ۸۲.
- ۱۴- قرآن کریم: سوره اعراف، آیات ۲۲ تا ۲۷، طه: ۱۲۱ تا ۱۲۳، اعراف: ۱۸۹.
- ۱۵- قرآن کریم: سوره بقره، آیات ۵۱ تا ۵۵، ۶۰ و ۶۱ و ۶۷ و ۸۷ و ۹۲ و ۱۰۸ تا ۱۳۶.
- ۱۶- قرآن کریم: سوره ابراهیم: ۳۵ تا ۴۱، حج: ۲۶، ۴۲، ۴۳، ۵۱ تا ۵۸، شعراء: ۶۹ تا ۹۲، صافات: ۸۳ تا ۱۱۳.
- ۱۷- قرآن کریم: سوره یوسف، آیات ۱ تا ۱۰۱.
- ۱۸- قرآن کریم: سوره هود، آیات ۷۷ تا ۸۹ و شعراء: ۱۶۰ تا ۱۷۵، نمل: ۵۴ تا ۵۸، صافات: ۱۳۳ تا ۱۳۸.
- ۱۹- قرآن کریم: سوره قصص، آیات ۲۴ تا ۴۳.
- ۲۰- قرآن کریم: سوره تحریم، آیات ۱۱ و ۱۲.
- ۲۱- قرآن کریم: سوره هود، آیه ۴۲ و ۴۶.
- ۲۲- قرآن کریم: سوره کهف، آیات ۹ تا ۲۶.
- ۲۳- قرآن کریم: سوره اعراف، آیات: ۱۱۳ و ۱۲۰، یونس: ۸۰